

## تعریف منطقه ساحلی برای مطالعات ICZM در ایران

دکتر یدالله کریمی پور<sup>۱</sup>، دکتر حمیدرضا محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۶/۱۷

تاریخ تایید نهایی: ۱۳۸۸/۱۱/۱۲

### چکیده

زیربنای مطالعات مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM)، در هر سه مرحله راه‌اندازی، برنامه‌ریزی و پیاده‌کردن، تعریف و تعیین محدوده ساحل است. منطقه ساحلی در کشورها و مراجع مختلف، تعریف‌ها و مفهومی‌های گوناگون و اغلب متفاوتی دارد. گروهی از کشورها و مراجع، محدوده ساحل را ناحیه یا منطقه تلاقی آب و خشکی و یا زمین‌های آبرفته می‌دانند و برخی این محدوده را از مرزهای تأثیرگذار بر ساحل مانند منتهی الیه حوضه‌های آبریز تا فلات قاره می‌کشانند. گاه در تعریف ساحل و منطقه ساحلی، رویکرد سیاسی مد نظر بوده است. براین پایه، قلمرو ساحل در دریا تا منطقه انحصاری اقتصادی و در خشکی تا مرزهای ایالت یا استان، امتداد یافته است.

اما تا آن جا که به ایران و سواحل سه‌گانه‌اش مرتبط است، از شاخص‌های بکار گرفته شده در کشورهای دیگر از جمله قاره‌های اروپا، اقیانوسیه و آمریکای شمالی و جنوبی باید با احتیاط و پس از بررسی و تطبیق منطقی بکار گرفته شوند. تجربیات کشورهای دیگر می‌بایست با ویژگی‌های جغرافیایی ایران از جمله جغرافیای سیاسی و تقسیمات کشوری آن همخوانی داشته باشند. براین پایه، تا آن جا که به مدیریت ویژه در آبهای ساحلی ایران در قالب (ICZM) برمی‌گردد، این قلمرو حداکثر می‌تواند در دریا تا آبهای داخلی و در خشکی برحسب شرایط جغرافیایی میان ۶۰ تا ۶۰۰ متر در هر سه ساحل تعیین گردد.

کلید واژگان: مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی ICZM، محدوده منطقه ساحلی، تجربیات جهانی، حوضه آبریز، تقسیمات کشوری ALT، AHTL، مرزهای خشکی، قلمروهای دریایی مدیریت ویژه.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت معلم تهران

۲. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

پذیرش مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، طی "اجلاس زمین" در ۱۹۹۲ ریودوژانیرو از سوی کشورهای ساحلی، بازتابی از وضعیت شکننده‌ای است که بر این نوارهای حیاتی کره زمین حاکم است. چنان که شمار کشورهای ساحلی که تا سال ۲۰۰۲، ICZM را در دستور کارشان قرار دادند به ۱۴۵ کشور رسید (IOC, 2002) و تا پایان ۲۰۰۹، تقریباً تمام کشورهای ساحلی را پوشاند. گرچه روندهای آلودگی فزاینده، کاهش تنوع زیستی و آسیب‌های وارده به اکوسیستم‌ها و حتی گاه نابودی آنها، مهم‌ترین عوامل گرایش دولت‌های ساحلی به ICZM می‌باشند، اما هنوز بهره‌برداری‌های اقتصادی، دلیل مهم دیگری برای پیوستن به انجام طرح‌های مطالعاتی در این چارچوب است (جدول شماره یک).

جدول ۱: عوامل گرایش کشورهای ساحلی به ICZM

ردیف	دلیل گرایش به ICZM	همه کشورها (درصد)	کشورهای توسعه نیافته (درصد)	کشورهای نیمه توسعه یافته (درصد)	کشورهای درحال توسعه (درصد)
۱	بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع	۱۸	۰	۲۷	۲۵
۲	آلودگی‌های گسترده ساحلی	۲۰	۲۱	۱۳	۲۵
۳	آسیب وارده به اکوسیستم‌های ساحلی	۱۸	۲۱	۱۳	۲۵
۴	منافع اقتصادی دریا و ساحل	۲۲	۳۶	۱۳	۲۰
۵	دستیابی به فرصت‌های نو در دریا و ساحل	۶	۷	۱۳	۰
۶	آسیب برخاسته از خطرات در ساحل	۱۰	۱۴	۷	۵
۷	سایر عوامل	۶	۰	۱۳	۰

Source: Biliana cicin- sain, 1987

علت تمرکز طرح و برنامه‌های محیط زیستی از سوی سازمانها و مجامعی چون <sup>۱</sup>IOC، <sup>۲</sup>UNDOALOS، <sup>۳</sup>UNEP، <sup>۴</sup>IMO و حتی <sup>۵</sup>FAO و <sup>۶</sup>UNDP بر نوارهای باریک ساحلی، امروز روشن‌تر شده است: ساحلی شدن اقتصاد از نیمه دوم سده گذشته (لورو و توال، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶)

1. the international oceanographic commission
2. united nation division for ocean Affairs and the law of the sea
3. united Nations Environment program
4. international maritime organization
5. food and agriculture organization of the united Nation
6. united Nations Development program

و امواج جدید مهاجرتی بدین سو، کرانه‌ها را به گرانیگاه جمعیتی تبدیل کرده است به نحوی که تا سال ۲۰۰۰، دستکم ۳۹ درصد جمعیت جهان در کرانه‌ها و پسرکرانه‌ها استقرار یافتند (pruett and cimino, palmer, 2000)؛ برآورد این رقم تا پایان ۲۰۱۰ حتی به ۵۰٪ هم می‌رسد. بدیهی است انبوهی جمعیت در هر جا، عامل پایه‌ای بر هم خوردن تعادل و توازن‌های محیطی شناخته شده است.

تجربیات جهانی در زمینه ICZM در ۱۸ سال اخیر گراندقدر بوده است؛ چنان که تنها تا پایان سال ۲۰۰۲، شمار طرح و برنامه‌های صورت گرفته در زمینه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی به ۶۲۲ مورد رسید (پاک، علی، ۱۳۸۳). اما در تمام این طرح‌ها، همواره یکی از سخت‌ترین مراحل، شروع و راه‌اندازی بوده است. به اغلب احتمال دلیل مهم این پدیده، صرف زمان و دلمشغولی اصلی برای یافتن تعریف و تعیین محدوده ساحل در هر کشور برای انجام مقدمات مطالعات بوده است. برای اعمال دستاوردهای ICZM، الزام‌آور نیست که یک محدوده با عنوان منطقه ساحلی را تعریف کرد، بلکه بر پایه پژوهش‌های انجام شده می‌توان منطقه ساحلی را به گروه‌های چهار گانه: منطقه مدیریت نوار ساحلی<sup>۱</sup>، منطقه مدیریت، منطقه پایش و نظارت و منطقه تأثیر پذیری تقسیم نمود. به هر روی، برخی برای تعریف منطقه ساحل جهت بهره‌گیری در ICZM، برخی پدیده‌های هیدرودینامیکی را پایه تعریف خود قرار داده‌اند (Mangor, 2001)، گروهی رویکرد سیاست‌گرا را در این مورد ترجیح می‌دهند (sain and knecht, 1998).

IOC ضمن تأکید بر شاخص‌های کیفی، باورمند است که «تعیین محدوده منطقه ساحلی برای این گونه مطالعات، پیوستگی ژرفی با تنگناها، مسایل و مشکلات هر کشور و حتی هر ساحل دارد».

(IOC, 1997, p. 16). از این دیدگاه محدوده منطقه ساحلی تا فضایی که هدف‌های مدیریتی در هر کشوری را برآورده می‌کند می‌تواند در درون خشکی و در پهنه دریا گسترش یابد. این در حالی است که از دیدگاه کارشناسان و پژوهشگران بانک جهانی، محدوده منطقه ساحلی به منظور دستیابی به هدف‌های ICZM، می‌بایست در خشکی تا مرزهای حوضه آبریز و در دریا تا انتهای دریای سرزمینی و حتی منطقه نظارت گسترش (Jan and cart, 1995) یابد. با همه این دستاوردها و توصیه‌ها، تجربیات جهانی نشان می‌دهد که هر کشور ساحلی، بر پایه ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی و گاه فرهنگی خویش به تعیین محدوده ساحلی پرداخته است.

این مقاله نیز قصد داشته است تا با بهره‌گیری از شیوه توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش باشد که جمهوری اسلامی ایران با داشتن سه ساحل کاملاً متفاوت از دیدگاه‌های جغرافیایی، فرهنگی و استراتژیک، برای تعیین مرزها و محدوده‌های ICZM در خشکی و دریا، می‌بایست چه شاخصی یا شاخص‌هایی یا الگوهایی را در کانون توجه قرار دهد. نگاهی به تجربیات جهانی در تعیین مرزها و محدوده‌های ساحلی در خشکی و دریا، پیش درآمدی برای بحث و بررسی ژرف‌تر در مورد ایران خواهد بود.

### قلمرو ICZM در دریا

- کشورهای ساحلی برای تعیین قلمرو ICZM در دریا تاکنون از چهار روش استفاده کرده‌اند:
۱. تعریف قلمرو بر پایه فاصله از  $ALT^1$  یا  $AHTL^2$ ؛ ویژگی‌های ساحل از دیدگاه هموار یا ناهموار بودن، پر شیب یا بدون شیب بودن، بلند یا کوتاه بودن ساحل‌ها، نقش اصلی را در انتخاب میانگین‌های خط جزر یا مد داشته است.
  ۲. تعریف بر پایه کاربری؛ شماری از کشورها در تعریف قلمرو دریایی برای ICZM، نوع کاربری و بهره‌برداری از ساحل را معیار قرار داده‌اند.
  ۳. تعریف بر پایه ژرفا؛ گروهی از کشورها، ژرفای مشخصی را برای تعریف این قلمرو، تعیین کرده‌اند.
  ۴. تعریف بر پایه قلمروهای رسمی دریایی مانند آبهای سرزمینی یا EEZ، بر پایه کنوانسیون ۱۹۸۲ جامائیکا، ملاک شمار زیادی از کشورها قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1 . Average Low tide  
2. Average Hightide Limit

جدول ۲: چگونگی تعیین مرزها دریایی در چند کشور (فاصله از خط ثابت)

کشور	مرز مدیریت ICZM در دریا
برزیل	۱۲ کیلومتر از AHTL
چین	تا ژرفای ۱۵ متری دریا از کف
کاستاریکا	ALT
اسپانیا	ALT تا انتهای دریای سرزمینی
اسرائیل	۵۰۰ متر از ALT
سری لانکا	۲ کیلومتر از ALT
استرالیا	۳ مایل از ALT

مأخذ: مهندسین مشاور سازه‌پردازی ایران؛ ۱۳۸۳

جدول ۳: چگونگی تعیین مرزهای دریایی برای ICZM. (معیارهای گوناگون)

واحد سیاسی	مرز و قلمرو دریایی
نیوجرسی	منطقه آب‌های میان جزر-مد
ردآیلند	دریای سرزمینی (۳ مایل) از ALT
هاوایی	آب‌های تحت کنترل دولت ایالتی
اندونزی	خط هم ژرفای ۶۰ متر
مالزی	تا ۲۰ کیلومتر از ALT در دریا
ایالت صبا (مالزی)	از ALT تا ۲۰۰ مایل در دریا (تا EEZ <sup>۱</sup> )
فیلیپین	از ALT تا مرز بیرونی قلمرو ماهیگیری
سنگاپور	آب‌های سرزمین و جزایر فرا ساحلی
تایلند	از ALT تا آب‌های کم ژرفای فلات قاره

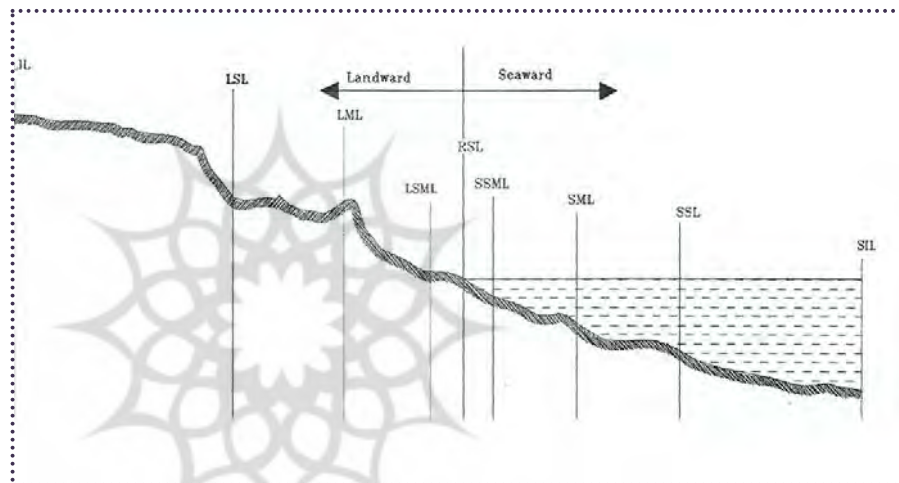
مأخذ: مهندسین مشاور سازه‌پردازی ایران؛ ۱۳۸۳

### قلمرو ICZM در خشکی

دیدگاه کشورها در تعریف و تعیین محدوده مدیریتی برای ICZM در خشکی نیز متفاوت و اغلب در بر گیرنده پنج نوع قلمرو است:

- ۱- تعریف قلمرو خشکی تا یک خط مشخص؛ مثلاً ۱۰۰ متر، ۵۰۰ متر، ۱۰۰۰ متر یا ۱۰ کیلومتر از خط جزر (ALT)؛
- ۲- تعریف بر پایه یک خط تراز ارتفاعی ثابت؛
- ۳- مرزهای سیاسی تقسیمات کشوری؛
- ۴- تعریف بر پایه و متناسب با کاربری؛
- ۵- تعریف و تعیین مرز بر پایه تقسیم‌بندی حوضه آبریز.

شکل ۱: مرزهای سطوح مختلف اعمال مدیریت در مناطق ساحلی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴: تعیین مرز و قلمرو ICZM در خشکی

واحد سیاسی	شاخص مرز و قلمرو در خشکی
استرالیا	از Alt تا ۱۰۰۰ متر به درون خشکی
کاستاریکا	از AHTL تا ۲۰۰ متر به درون خشکی
اسرائیل (فلسطین اشغالی)	۱ تا ۲ کیلومتر از خط Alt
چین	۱۰ کیلومتر از AHTL به درون خشکی
برونئی	۱ کیلومتر از HWM <sup>۱</sup> و نواحی تحت سیطره جزر - مد
ایالت صبا (مالزی)	از ALT تا ۲۰۰ مایل در دریا ( تا EEZ <sup>۲</sup> ) و نواحی تحت سیطره جزر-مد
ایالت نیوجرسی	۳۰ متر تا ۳۰ کیلومتر از خط ALT به درون خشکی، بسته به کار برد.
ایالت ردآیلند	۲۰۰ فوت از مرز ساحلی جزر و مد- به درون
اندونزی	واحدهای اداری و زیست محیطی
مالزی	مرز دهستانها
تایلند	مرز دهستانها
سنگاپور	کل جزیره
اکوادور	متغیر، وابسته به نواحی مدیریتی
فیلیپین	نواحی داخلی خشکی وابسته به سیستم‌های دریایی یا فاصله ۱ کیلومتر از خط ساحلی هر کدام که بیشتر باشد.

مأخذ: مهندسین مشاور سازه‌پردازی/ایران ۱۳۸۳.

کشورهای ساحلی اتحادیه اروپایی، در مرزبندی منطقه ساحلی در خشکی‌ها از دو قلمرو نوار یا حریم ساحلی و منطقه ساحلی بهره‌برداری می‌کنند. در حریم ساحلی، مقررات بسیار سختی حاکم است و با هدف‌های زیر تعریف می‌شود:

- ۱) تسهیل دسترسی شهروندان به تمام ساحل؛
- ۲) مرزبندی و ایجاد قلمرو برای اوقات فراغت؛
- ۳) کنترل پیایی ساحل و آبهای ساحلی؛
- ۴) پاسداری از چشم‌اندازهای طبیعی، مذهبی و باستانی ساحلی؛
- ۵) جلوگیری از فرسایش بیشتر ساحل.

1. High water mark
2. Exclusive Economic Zone

منطقه یا زمین‌های ساحلی خشکی، محدوده‌ای را در بر می‌گیرد که پیامدهای مستقیم بر منابع و محیط ساحلی داشته و گاه کل حوزه آبریز رودخانه‌های وارده به ساحل را در بر می‌گیرد (Bridge, L; salman, A; 2000). در بیشتر کشورهای ساحلی اتحادیه اروپایی، مرزهای منطقه ساحلی در خشکی تا منتهی‌الیه حوضه‌های آبریز رودخانه‌ها گسترش می‌یابد.

### اهداف ICZM و همپوشی آن یا ساحل‌های ایران

برای دستیابی به تعریف روشن، بدون ابهام و همپوش با ویژگی‌های کرانه‌های دریایی ایران، اشاره به چند پیش‌نیاز یا مقدمه ضروری است:

#### ۱- اهداف ICZM

هدف بلند مدت ICZM، «تسهیل ساخت و کار (مکانیزم) برای بهره‌برداری یکپارچه از مناطق ساحلی، در سطح ملی و منطقه‌ای است» (آرتورتن، ۱۳۷۵ ص ۷۵). این در حالی است که «مشکل اساسی در مدیریت منطقه ساحلی، اختصاص منابع است، زیرا به خاطر رشد فزاینده جمعیت و روندهای توسعه اقتصادی، منابع طبیعی ساحلی رو به کاهش گذاشته است» (دانه کار، ۱۳۸۴). بنابر این دستکم برای کشورها با اقتصاد و رژیم سیاسی متمرکز، نقش اصلی در چگونگی ساماندهی به ساحل در اختیار دولت‌ها است. به همین دلیل در مورد ICZM گفته شده است: «روندی دولتی و شامل چارچوبی قانونی- رسمی است تا طرح‌های توسعه و مدیریت مناطق ساحلی را که ترکیبی از اهداف محیط زیستی و مشارکت بخش‌های متأثر از این روند است، تضمین کند. هدف آن نیز به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن منازعات و تداخل‌های مخرب بر یکدیگر است» (نیتی و مراغه‌ای، ۱۳۷۶). در واقع ICZM، در فضایی برخاسته از اندرکنش‌های سه پایه محوری: سیاست (دولت)، جامعه (مردم) و مدیریت (دانش) شکل می‌گیرد و در پی دستیابی به توسعه پایدار منطقه ساحلی است (DHI, 2005). در این صورت، در جهت نیل به این هدف پایه‌ای، دستیابی به سه هدف شاخه‌ای گریزناپذیر خواهد بود:

الف- پایدارسازی و گسترش برنامه‌ریزی شده محیط کار- فعالیت انسانی تا سطح کاهش عمیق بیکاری با حفظ استانداردهای کار و درآمد از طریق خود اتکاسازی در منطقه ساحلی.

ب- کوشش برنامه‌ریزی شده، یکپارچه و چارچوب‌دار برای حفظ و ارتقای ذخایر محیط زیست و اکوسیستم‌های ساحلی که نتیجه آن در چشم‌اندازهایی با ساحل سبز- دریای آبی و تنوع زیستی آشکار می‌شود.

ج- کنترل آلودگی به ویژه از طریق رهگیری از منابع مستقر در خشکی



## ۲- تفاوت‌های ساحل‌ها

میان سه کرانه‌ی دریایی ایران تفاوت‌های گوناگونی از دیدگاه شاخص‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و استراتژیک وجود دارد. در واقع ماهیت تنگناها و مسایل در سه ساحل به اندازه‌ای گسترده است که شاید تنها نقطه مشابه این سه کرانه، در مفهوم ساحل خلاصه می‌شود. در هر مطالعه و برنامه‌ریزی جامع، از جمله ICZM، تلاشی برای درک و شناخت این تفاوت‌های ژرف، محوری و گریزناپذیر است (کریمی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵)

جدول ۵: تفاوت‌های راهبردی کرانه‌های دریایی ایران

شرح	خلیج فارس	خزر	عمان
فضای استراتژیک پیرامونی	دریای جنگ	امنیت تاریخی / در حال گذار	پرت و در حاشیه
پراکنش نیروهای نظامی	گسترده، فشرده و دارای مقیاس استراتژیک	بسیار محدود و محلی	پشتیبان خلیج فارس
دغدغه و دل مشغولی اصلی	قاچاق کار	درهم ریختگی و نابسامانی	عقب ماندگی تاریخی
نقش و جایگاه بازرگانی	ملی و بین‌المللی (حیاتی)	محدود	محدود
کارکرد اصلی	نفتی - گازی، بازرگانی، تجاری، ماهیگری	کشاورزی، گردشگری	تعریف نشده
تراکم نسبی جمعیت	خلوت با تراکم پایین	در حال اشباع	خلوت تا تهی، بسیار پایین

مأخذ: کریمی‌پور، (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه ICZM

## ۳- پیاده‌سازی آسان

ICZM جهت روان سازی توسعه پایدار در کرانه‌ها است؛ بنابراین نمی‌تواند به چنان چارچوب‌های هزینه‌بری بیانجامد که خود به مشکلی دیگر در کشورهای ساحلی رو به توسعه ایجاد نماید. در واقع پرهیز از دیوانسالاری، بهره‌گیری از نهادهای اجرایی - سیاسی جا افتاده‌ی موجود برای کنترل‌ها و نیز بهره‌گیری از نیروی محلی، سه عامل شناخته شده برای پیاده‌سازی آسان این طرح می‌باشد (کریمی‌پور، ۱۳۸۶، جلد ۴).

#### ۴- چارچوبی برای تعامل؛

تا جایی که به جمهوری اسلامی برمی‌گردد دستکم ۱۶ نیرو، نهاد، سازمان و وزارتخانه در حوزه ساحل دخیلند:

سازمان بنادر و دریانوردی، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت نیرو، وزارت نفت (فلات قاره)، مرکز ملی اقیانوس‌شناسی، وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، نیروی دریایی ارتش (نداجا)، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ندسا)، نیروی انتظامی (گارد ساحلی)، سازمان مناطق آزاد، سازمان انرژی اتمی، وزارت بازرگانی، بسیج سپاه پاسداران، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ستاد مبارزه با مواد مخدر. تهیه یا دستیابی به چارچوبی که بتواند بیانگر خواسته‌های متفاوت و گاه متضاد سازمان‌ها و نهادهای درگیر در ساحل باشد و در عین حال زمینه‌های توسعه پایدار ساحلی را مهیا نموده و تعاملی روان را میان آنها برقرار سازد، سخت ولی گریزناپذیر است.

#### مرزهای مدیریت نوار ساحلی

محدوده اعمال مدیریت نوار ساحلی، محدوده تلاقی خشکی و دریا را در برمی‌گیرد. «این محدوده به دلیل اندرکنش‌های متقابل خشکی و دریا و پیشروی حوزه تأثیرگذاری هر یک در محدوده دیگری، عملاً شامل بخشی از دریا و قسمتی از خشکی می‌شود. مرز خشکی اعمال مدیریت نوار ساحلی یا Lsml بر پایه شاخص‌های طبیعی و به ویژه مصوبات پارلمان‌ها تعیین می‌شود. تعیین مرز دریایی اعمال مدیریت نوار ساحلی (Ssml) نیز متأثر از شرایط بیولوژیک، ژئومورفولوژی، جریان‌های جزر و مد، پوشش گیاهی و مهم‌تر از آن تصمیم‌سازی‌های قانونی است. (مجد، ۱۳۸۴).

#### مرزهای خشکی ICZM در ایران

مرزهای ICZM در ایران نمی‌تواند در برگیرنده چندین قلمرو باشد.

#### ۱- حوضه‌های آبریز

در یک برنامه ایده آلی مرزهای محدوده زیر نظر ICZM، می‌بایست آن چنان گسترده باشد که تمام مناطقی را که بر دریا تأثیر گذارند، در برگیرد. این محدوده در ۳۰ کشور تا حوضه‌های آبریز را می‌پوشاند. اما در نظر گرفتن چنین قلمروی برای ایران نه شایسته است نه بایسته. زیرا:

- الف- مرزهای این قلمرو ۶۷ درصد مساحت ایران را در برمی‌گیرد. قلمرو حوضه‌های آبریز خزر، دریای عمان و خلیج فارس و نیز دریاچه ارومیه، به معنای قلمرو ایران خواهد بود.
- ب- چنین قلمروی برای کشورهای پربارش با رودخانه‌های بزرگ سازگار بوده و بر این فرض درست استوار است که بیشتر آلودگی‌ها و آلوده سازها از طریق رودخانه‌ها وارد دریاها می‌شود. این فرضیه تاحدودی در مورد جنوب خزر و خوزستان صادق است، اما در مجموع و تا جایی که به ایران مرتبط است رودخانه‌های ایران به دلیل آبدهی اندک، نقش سوم یا چهارم را در آلوده سازی آبهای کرانه‌ها در اختیار دارند.
- ج- این محدوده گسترده برای ICZM، دهها چالش کاربردی و اجرایی، آن هم در کشوری کمتر توسعه یافته به وجود خواهد آورد.
- د- تنها شمار اندکی از کشورها، این محدوده ایده آلی را برای پیاده سازی ICZM در نظر گرفته‌اند که اغلب کشورهای با وسعت کم، هموار یا به نسبت هموارند.

جدول ۷: مرزهای خشکی برای محدوده ICZM

محدوده	کشورهای توسعه یافته	نیمه توسعه یافته	در حال توسعه
تا ۱۰۰ متر	۰	۱۴	۰
۱۰۰ تا ۵۰۰ متر	۷	۰	۱۰
۵۰۰ متر تا ۱ کیلومتر	۰	۰	۱۰
۱ تا ۱۰ کیلومتر	۰	۷	۱۵
تا مرزهای سیاسی	۷	۰	۵
حوضه آبریز	۰	۱۴	۱۰
متغیر با کاربردی	۵۰	۳۶	۳۰
در حال مطالعه	۲۱	۲۹	۱۵
مبهم	۱۴	۰	۵

- ۲- واحدهای سیاسی (استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها) (شهرستان‌ها و بخش‌ها)
- چنان چه مرزهای ICZM در خشکی بر مرزهای استان‌ها تطبیق داده شود، مشکلات حاصله بی‌شبهت به مسایل برخاسته از حوضه‌های آبریز نخواهد بود، زیرا:

الف- این محدوده در برگیرنده هفت استان گیلان، مازندران، گلستان در جنوب خزر، خوزستان، بوشهر، هرمزگان در شمال خلیج فارس و سیستان و بلوچستان در شمال دریای عمان است. این هفت استان در برگیرنده  $396472 \text{ Km}^2$  یا حدود  $\frac{1}{4}$  ایران است.

ب- جمعیت این استان‌ها بر پایه برآوردهای ۱۳۸۸، حدود  $16637266$  نفر یا  $22/58$  درصد جمعیت کشور است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸).

ج- میان ۲۵ تا ۸۹ درصد وسعت این استان‌ها، ساحلی تلقی نمی‌شوند. بنابراین قرار دادن تمام استان‌های ساحلی ایران در محدوده مطالعات ICZM پرهزینه، چالش‌زا و در مرحله نخست بی‌فایده خواهد بود.

د- تا اسفند ماه ۱۳۸۸، هفت استان ساحلی در برگیرنده ۹۵ شهرستان بود. تنها کمی بیش از  $\frac{1}{4}$  این شهرستان‌ها، ساحلی هستند.

به هر روی، گستره سرزمینی عظیم (۱-مساحت کشور)، انبوهی جمعیت، کمتر ساحلی بودن بیشتر شهرستان‌ها و بخش‌ها، دل‌مشغولی‌های پر شمار استانداران، فرمانداران و بخشداران و به ویژه دیدگاه کنونی این تصمیم‌سازان که مسأله محیط زیست را مشکلی لوکس تلقی می‌کنند، جایی برای انتخاب این نوع حریم آن هم با این گستره در قلمرو خشکی نمی‌گذارد.

### کارآیی حریم خشکی برای ICZM

حریم خشکی باید بتواند: الف: مانع ورود آلوده سازها به دریا شود، ب- مکانیزم دسترسی آزادانه شهروندان و گردشگران به ساحل را روان سازد، ج- محدودهای مناسبی برای گذراندن اوقات فراغت، تفریح و ورزش در کرانه‌ها را تعیین نماید، د- پاسدار چشم‌اندازهای طبیعی، باستانی و فرهنگی بوده و ه- سدی در برابر فرسایش و ویرانی محیط ساحلی باشد.

از سوی دیگر با توجه به تفاوت‌های پر شمار ساحل‌های ایران، حریم انتخاب شده باید همپوش با ویژگی‌های هر کرانه باشد. به همین دلیل انتخاب حریمی پویا و تا حدودی متغیر و در عین حال آشنا برای بومیان می‌بایست کاربردی بوده و دست طراحان و برنامه‌ریزان برای کاربری اراضی در این نوارها را باز بگذارد. یادآوری چند نکته دیگر در ارتباط با اهمیت انتخاب حریم‌های خشکی برای تعیین این محدوده در ساحل‌های ایران، ضروری می‌نماید:

الف- منابع مستقر در خشکی مسئول سه چهارم آلودگی‌های وارد شده به دریاها و اقیانوس‌ها هستند، این آلودگی‌ها مشتمل است بر: «فاضلاب و پسماندهای صنعتی که مستقیماً و یا به وسیله

رودخانه‌ها وارد آب دریا شوند، مواد شیمیایی مورد مصرف به عنوان کود شیمیایی و حشره‌کش در کشاورزی که از خشکی وارد آب رودها می‌شود، آبهای گرم نیروگاه‌های برق (که برخی از آنها اتمی هستند) در نزدیکی سواحل و...» (چرچیل ولو، ۱۳۶۷، صص ۱۴-۴۱۳).

از آن که کنترل این نوع آلودگی دارای گستره‌ای کشوری است، مسئولیتی ملی را نیز می‌طلبد. اما برای کشورهای در حال توسعه، تنها امکان محدودی برای کنترل آن به هنگام ورودشان به دریا وجود دارد و آن نیز از طریق فضای باریک ساحلی امکان‌پذیر است.

ب- ساماندهی نوار ساحلی و ایجاد فضایی با نشاط و سازمان یافته، در واقع به منزله نمایشگاهی برای شهروندان در گستره‌ی ملی است که می‌تواند نمونه‌ای از یک فضای کار و زندگی برای گسترش آن در پهنه سرزمین ملی باشد.

ج- مقررات سخت و پیاده‌سازی در حریم‌های باریک ساحلی که محل تلاقی دو زیست بوم خشکی- دریا هستند، آسان‌تر، کم هزینه‌تر و پرنتیجه‌تر است.

### حریم خشکی پیشنهادی برای ساحل‌های ایران

این حریم برای هر سه ساحل ایران تا جایی که به اهداف ICZM (در محدوده مدیریت نوار ساحلی)، توان‌های کنونی جمهوری اسلامی و واحدهای سیاسی ساحلی، حوزه‌های فعالیت ساحل نشینان و طرح و برنامه‌های نهادهای درگیر در ساحل برمی‌گردد، می‌تواند میان ۶۰ متر تا ۶۰۰ متر در نظر گرفته شود. بخشی از دلایل انتخاب این محدوده را می‌توان در نمایه زیر یافت:

- ۱- در تبصره ماده ۶۳ برنامه چهارم توسعه به روشنی آمده است: «دولت موظف است کلیه وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی را به شکلی ساماندهی کند که تا پایان برنامه چهارم، عقب‌نشینی شصت (۶۰) متر از حریم دریا صد در صد (۱۰۰٪) انجام پذیرد» (کمیته سند فرا بخشی ساماندهی سواحل، ۱۳۸۳). انتخاب چنین حریمی برای ساحل در حال اشباع خزر، تا حدود زیادی منطقی می‌نماید، اما در کرانه دریایی مکران با تراکم نسبی ناچیز، دست طراحان برای پیاده‌سازی الگوهای ثمر بخش در فضای عالی، باز است. این حریم تا ۵ سال آینده می‌تواند از خط AHTL تا ۶۰۰ متر گسترده شود.
- ۲- تا جایی که به نمونه‌های به نسبت موفق مانند کیش، هرمز، قشم و سیری برمی‌گردد، در همین حریم می‌توان به ساماندهی ساحل از جمله کنترل پسماندهای وارده به دریا پرداخت. اما در کرانه‌های دریایی خلیج فارس و دریای عمان، برای ایجاد محدوده‌های تفریحی، پارک‌های تحقیقاتی، تأسیس هتل با چشم‌انداز دریایی، پیست‌های دوچرخه‌سواری و دهها سازه دیگر، نیاز به فضایی دستکم ۶۰۰ متری از خط AHTL است.

۳- در این حریم ICZM بیشترین مخاطبین خودش را خواهد یافت، چه نهادهایی که می‌بایست کسب و کار و فعالیت خود را برای فضاسازی‌های نو آماده نمایند، چه دستگاه‌های نظارتی و اجرایی مانند پاسگاه‌ها و چه مردمی که با پشتوانه آنان می‌بایست، نوسازی ساحل را آغاز و تداوم بخشند.

### قلمرو نظارتی ICZM در دریا

از خط مد به سوی دریا، تا آن جا که به خلیج فارس و دریای عمان برمی‌گردد، پنج قلمرو دریایی مورد پذیرش کنوانسیون ۱۹۸۲ جاماییکا به چشم می‌خورد: آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت (مجاور)، منطقه انحصاری اقتصادی (دریای عمان) و فلات قاره. مرزهای نظارتی ICZM تا آن جا که به جمهوری اسلامی برمی‌گردد، بنا به دلایل زیر نمی‌تواند هیچکدام از پنج منطقه نامبرده را در برگیرد:

(۱) کنترل ۵۸۰۰ کیلومتر مرز آبی (با جزایر) در سه دریا، با توان کنونی ممکن نیست و هزینه‌های بس شگرفی را می‌طلبد،

(۲) نظارت بر این گستره‌های بزرگ دریایی، نیازمند هماهنگی سیستمی و نهادینه شده هشت دولت پیرامونی خلیج فارس، پنج دولت حاشیه خزر و کشورهای پیرامونی اقیانوس هند و شاخه آن یعنی دریای عمان است،

(۳) نظارت‌های محیط زیستی در خلیج فارس و خزر می‌بایست از طریق نیروهای نظارتی بالا دستی و سازمان‌های کلان مانند شرکت‌های ملی نفت فلات قاره، شرکت‌های ملی گاز و سیستم صادرات نفت، حل و فصل گردد.

بنابر این با توجه به توان محدود گارد ساحلی ایران و مسئولیت‌های سنگینش در زمینه‌های چون کنترل انواع قاچاق، تردهای غیر مجاز مرزی، نظارت بر تحرکات شناورهای بیگانه و دهها وظیفه دیگر و نیز با توجه به گستره عظیم قلمروهای پنجگانه نامبرده، دستکم در فاز نخست پیاده سازی ICZM، در حوزه مدیریت نوار ساحلی و منطقه مدیریت، منطقه آب‌های داخلی می‌تواند قلمروی منطقی و قابل اجراء باشد.

آب‌های داخلی یا ملی، آب‌هایی هستند که در پشت خط مبدأ دریای سرزمینی و سایر مناطق دریایی قرار دارند (Brierly, 1963). این آب‌ها از خلیج‌های کوچک، آبگیرها و بنادر و آب‌های پشت خطوط مبدأ به سوی خشکی کشیده شده‌اند (چرچیل ولو، ۱۳۶۷، ص ۹۵). این آب‌ها بخشی از هویت یک کشور ساحلی بوده و قوانین و مقررات کشور ساحلی در آن جا بدون در نظر گرفتن عرف بین‌المللی در آن جا جاری است.

**نتیجه گیری**

شاخص‌های شناخته شده‌ای برای تعریف ساحل و مشخص کردن محدوده ICZM و مدیریت نوار ساحلی قابل بکارگیری و تعمیم در همه کشورها وجود ندارد. هر یک از کشورهای ساحلی با توجه به ویژگی‌های ساحل‌های خود می‌توانند از شاخص‌های همپوش با شرایط جغرافیایی و محیط زیستی ویژه خویش استفاده کنند. مناطق تأثیرگذار بر باریکه ساحلی را از دیدگاه مدیریتی می‌توان در چهار زیر منطقه جای داد، منطقه مدیریت نوار ساحلی، منطقه مدیریت، منطقه پایش نظارت و منطقه تأثیرپذیری. برای هر یک از این زیر منطقه‌ها نیز شیوه‌های خاص مدیریتی ارائه شده است. اما تا جایی که به شرایط جغرافیایی ایران و مدیریت نوار ساحلی ( Management shoreline) برمی‌گردد، حداکثر اعمال مدیریت در خشکی ۶۰ متر تا ۶۰۰ متر را در بر گیرد. در قلمروهای دریایی نیز این محدوده برای کل ICZM، می‌تواند حداکثر آبهای داخلی یا آبهای پشت خط مبدأ به سوی خشکی را در برگیرد.



## منابع

۱. مهندسین مشاور سازه‌پردازی ایران؛ (۱۳۸۳). «مطالعات طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور: مطالعه تعریف و تعیین محدوده مناطق ساحلی کشور». تهران: سازمان بنادر و دریانوردی.
۲. آرتورتن، راسل؛ (۱۳۷۵). «مدیریت جامع مناطق ساحلی: نگرش کلی». کارگاه منطقه‌ای مدیریت جامع سواحل (چابهار، اسفند ۱۳۷۴)، مجموعه مقالات، مرکز ملی اقیانوس شناسی.
۳. دانه کار، افشین؛ (۱۳۷۹). «الزامات زیست محیطی در مدیریت سواحل»؛ فصلنامه محیط زیست، شماره ۳۱.
۴. نیتی، محمد و مراغه‌ای، علیرضا؛ (۱۳۷۶). «طرح جامع مدیریت مناطق ساحلی»؛ هشتمین گردهمایی ارگان‌های دریایی کشور و اولین کنفرانس نقش صنایع دریایی در صنعت حمل و نقل. شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا)، ۲۶-۲۷ تیر ماه، ساری.
۵. لورو، توال، پاسکال و فرانسوا؛ (۱۳۸۱). کلیدهای ژئوپلیتیک؛ حسن صدوق ونینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. پاک، علی؛ (۱۳۸۳). «مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی؛ ضرورت‌ها، زمینه‌های جهانی و اقدامات انجام شده در ایران»؛ ششمین همایش بین‌المللی سواحل، بنادر و سازه‌های دریایی (ICOPMAS): ۱۳۸۳.
۷. کریمی‌پور، یدالله؛ (۱۳۸۶). «نقش مسایل سیاسی-امنیتی در ICZM» گزارش چهارم، تهران: سازمان بنادر و دریانوردی.
۸. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه ICZM، تهران: سازمان بنادر و دریانوردی، دانشگاه تربیت معلم.
۹. مجّد، فرهاد؛ (۱۳۸۴). «مطالعه، تعریف و تعیین محدوده مناطق ساحلی در مطالعات ICZM کشور». مجله بندر و دریا، شماره ۱۲۷-۱۲۶.
۱۰. مرکز آمار ایران؛ (۱۳۸۸). برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور؛ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی؛ کد ۰۵-۰۳-۰۸۸.
۱۱. چرچیل، رابین و لو، آلن؛ (۱۳۶۷). حقوق بین‌الملل دریاها؛ بهمن آقایی؛ تهران؛ دفتر مطالعات و بین‌المللی.
۱۲. محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۶)؛ جزوه درسی مبانی جغرافیای سیاسی، حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی نسبت به دریاها، تهران دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. کمیته سند فرابخشی ساماندهی سواحل؛ «گزارش مستندات سند ساماندهی سواحل» (۱۳۸۳)؛ تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفتر آمایش، توسعه پایدار و محیط زیست.



14. Source: Biliana cicim-sain, 1987. <http://www.seaaroundus.org/ezared.htm>
15. IOC, (2002). Steps and tools towards integrated coastal area Management. Vol, I, manuals and Guide, No. 42, unesco, 2002.
16. Sain, cicin, band knechtm r. w; (1998). Integrated coastal and ocean management, published (1998) by Island Press.
17. Pruet, L. and cimino, Joe; and Palmer, H, (2000). "management of global maritime Limits and boundaries using Geographical information system" <Http://www.Seaaroundus.Org/ezarea.htm>.
18. Mangor, Karsten; (2001). Shoreline management Guidelines; [http://www.dhigroup.com/news/news/Archive/2001/Shoreline management Guide lines.aspx](http://www.dhigroup.com/news/news/Archive/2001/Shoreline%20management%20Guide%20lines.aspx)
19. IOC; (1997). Metodological Guide to integrated coastal zone management. Manuals and Guide. UNESCO 1997.
20. Jan, P, C; and carl, L, G; (1995). Guide lines for integrated coastal zone management. U.S; Washington; D.C: The world Bank.
21. DHI, water and environment, (2005). Methodology for the ICZM in Iran; ports and shipping org. May 2005.
22. Briefly, J.L; (1963). The Law of Nations, 6th ed. (ed.waldock)
23. The definsion of « Coastal zone » and « ICZM<sup>1</sup> studies » In Iran

- Karimipour, Yadollah-Associate professor of political Geography. Teacher Traning University. Tehran
- Mohamadi, Hamid Reza- Assistant professor of geography Shahid Beheshti University.

The base of any management approaches regarding to ICZM / refers to definsion of « Costal zone » .

Up to now we are facing a large Variety of definsions. Some countries consider the Coastal zone as an area limited between « Coastal water line and land » . Some others define Coastal zone as an area limited between the external limit of catchments basin and land – water line.

Concerning to Iran Coastal zone are expanded between internal water of sea and 60 m to 600 m toward in land.

This Conception of « Coastal zone » are Value for triple Iranian Coastal zone.

Keywords : ICZM , Coastal zone limit , global experiences ,catchments basin , AHTH , ALT , land limit / marin areas , specific management.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی